

سبک رفتار



نشانه‌های لجاجت و نحوه برخورد با افراد لجوج

مرغ آنان یک پادارده!

■ الهام شیخ

حتماً تا به حال با افرادی برخورد داشته‌اید که با پافشاری روی نظر و خواسته خود می‌خواهند آن را به کرسی بنشانند و با اصرار، بی‌منطقی خود را بر دیگران تحمیل می‌کنند، حرف حرف خودشان و همیشه نظرشان مخالف نظر دیگران است و به هیچ عنوان حاضر نیستند از مواضع خود کوتاه بیایند و به اصطلاح مرغ آنها یک پا دارد. از منظر روانشناسی چنین رفتارهایی، گاه، آگاهانه و گاهی ناآگاهانه از افراد سر می‌زند و تجربه

■ افراد لجوج را بشناسید

افراد لجوج از دو حربه استفاده می‌کنند؛ یکی دلیل تراشی و دیگری فرافکنی، یعنی مدام برای درستی کار خود مدرک و دلیل می‌آورند یا دلیل کار خود را به اطرافیان و دیگران نسبت می‌دهند. افراد لجوج اعتماد به نفس‌شان پایین است، توقع‌شان بالا است و همیشه دیگران را بدهکار خود می‌دانند. یکننده هستند، حتی اگر باندن حق با آنها نیست، به طور مطلق حرف و عمل خود را در دست می‌نابند و هرگز حاضر نیستند کوتاه بیایند و حق را به دیگری بدهند. منزوی هستند، لجاجت باعث می‌شود انسان درهای قلبش را به روی دیگران باز نکند. آنها نمی‌توانند از تطاط اجتماعی مناسب با دیگر افراد برقرار کنند زیرا به محض اینکه راجع به آنان سخناخت پیدا کنند به مرور از تطاط خود را با آنها کم می‌کنند و حاضر به رفت و آمد، دعوت یا رفتن به مسافرت با آنان نیستند و سعی می‌کنند با فرد لجوج قطع رابطه کنند. گاهی انگیزه فرد لجوج قدرت‌طلبی است و از لجبازی به عنوان اهرم فشار برای رسیدن به مقصودش استفاده می‌کند.

لجبازی سبب ایجاد خلق افسرده و مضطرب در فرد می‌شود، افکارش بریشان می‌شود و نمی‌تواند به خودباوری مثبت برسد و خود واقعی‌اش را پنهان‌د. لجاجت مانع رشد شخصیت می‌شود، آدم لجوج درجامی‌زند و نمی‌تواند در مراحل زندگی پیشرفت کند، چون انسان در زندگی حتی می‌تواند از کودک‌ان هم یاد بگیرد و لجاجت مانع این امر می‌شود.

بدون شک محیطی که فرد در آن بزرگ شده و زندگی کرده

تأثیر بسزایی در پرورش این خصلت دارد. پدر و مادر و نحوه برخورد آنها با فرزندشان به معرض رفتارهای آموخته‌شده و متقابل را ایجاد می‌کند، دوران کودکی مبحث بسیار مهمی است چون ریشه بسیاری از مشکلات بزرگسالی در این دوره است. برای روشن تر شدن موضوع به طور خلاصه به دو مورد مهم لجبازی در زندگی زناشویی و دوران کودکی می‌پردازیم.

■ مسائلهای دوسر یاخت در زندگی زناشویی

لجبازی در زندگی زناشویی بسیار خطرناک است و سلامت روان اعضای خانواده را در معرض خطر قرار می‌دهد.تکاتی که زوجین به آن توجه نمی‌کنند اختلاف سلیقه، غرور و نداشتن گذشت است. زن ماردکی که به نظر دیگری احترام نمی‌گذارد

سبک ازدواج

■ نگین خلیج

یاد آن روزها به‌خیر که ذوق پوشیدن لباس سفید عروس از کودکی در فکر و تخیل و بازی‌های کود‌کانه دخترها بود. آن روزها که سفیدی ازدواج در باکی عشق و بخت خلاصه می‌شد. یاد آن روز گاری به‌خیر که ازدواج تنها برقراری یک پیوند به حساب نمی‌آمد بلکه دختر و پسر سعی می‌کردند تا بین رنگی‌ترین آرزوهای خود هارمونی ایجاد کنند. روزهایی که همسر فقط هم‌بالینی و سر بر روی یک بالشت معنی نمی‌شد. آن زمان ما همسر به کسی گفته می‌شد که فکر دختر درون سرش با زوج خود یکی باشد. قدیمی‌ها تعریف می‌کنند از زمانی که نفاهم را در فهم تفاوت‌ها می‌دیدند و نه در کثرت شباهت‌ها. اما الان همه چیز برعکس شده است. الان دیگر مراسم خواستگاری بوی چای و شیرینی دنامار کی نمی‌دهد. دیگر پدربزرگ با صدایی لرزان درباره مردانگی و تعهد آقای داماد حرف نمی‌زند. الان دیگر گرمای شرم و حیاتی دختر باعث سرخ شدن چهره پسر نمی‌شود. این روزها خواستگاری شده است آشناسایی. این روزها بسیاری از جوانان با جاساز کردن حلقه در کیک و وله با هم قرار آشناسایی می‌گذارند. به جای آقاپسرهای م‌گویم جوانان

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۹۴۷۱

نگاه



آسیب‌هایی که گل‌های زندگی را پژمرده می‌کند

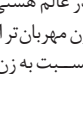
زن؛ کانون قدرت معنوی خانواده و جامعه

که بر احوالات گل و بلبل آگاه است. اوست که دلسوزانه از آنها مراقبت می‌کند و دست علف‌های هرز و شاخه‌های آفت‌زده را با داس و تبر، از دامان گل و آشیانه بلبل جدا می‌کند. باغبان می‌گوید مشکلات ما از روزی شروع شد که عده‌ای، با شعار آزادی و عدم محدودیت، گل‌های زیادی را به بیرون از باغ بردند تا مردم تماشای‌شان کنند و لذت ببرند. الان تمام سطح شهر، تمام پارک‌ها، تمام مغازه‌ها پر شده از گل‌های قیمتی و باارزش که البته هر روزی که بر آنها می‌گذرد، رنگشان زردتر شده و دیگر آن شادابی و طراوت قبل را ندارند.

بعضی‌شان هم که خشک شده‌اند، توسط شهرداری از سطح شهر جمع می‌شوند! صدای آواز بلبل به گوش نمی‌رسد، چراکه حاضر نیستند در کنار گلی که هر روز مورد نوازش و تعریف و تمجید و محبت دیگران قرار می‌گیرد، آشیانه بسازد.

چه زیبا فرموده است همسر فاطمه(س) امیرمؤمنان علی(ع): «محفوظ بودن و پاکدامنی برای سلامتی زن، مفیدتر است و زیبایی او را بادوام‌تر می‌کند.» دشمنان، به‌خوبی درک کرده‌اند که هسته مرکزی معنویت در یک خانواده، زن آن خانه است. یک زن که تنها خودش را به معنویت و مقام بالایی می‌رساند، بلکه تمام افراد خانواده را نیز تربیت می‌کند. اندک توجهی به سفارشات اسلام ما را به این امر مهم آگاه خواهد کرد. نه قهرمان و کارفرما.»

تمامی این احادیث با آگاهی به ابعاد روحی و جسمی زن، از زبان پاک و شیوای فرستادگان خدا جاری شده است. آنان معصوم هستند و به معدن علم الهی متصل، بنابراین به خوبی انسان و جایگاه او را در هستی می‌شناسند. زن را می‌شناسند و به خوبی علم به جایگاه زن در عالم هستی دارند. اینکه خداوند نسبت به زن مهربان‌تر است، اینکه همه ما وظیفه داریم نسبت به زن‌ها رفتار بهتری داشته باشیم،



از جمله عواملی که باعث سقوط یک زن از جایگاه بالایی او می‌شود می‌توان به تسلیم شدن در برابر خوشگذرانی‌ها و هوس‌های زودگذر، رعایت نکردن حفاظ و حجاب بیرون از محیط خانه، گرفتار شدن به ابتلال اخلاقی، گرایش به مدرگرایی و مصرف‌گرایی، تجمل و آرایش‌های افراطی و بیهوده، خودنمایی و جلوه‌گری و ساختن شخصیت کاذب و ارتباط بی‌قید و

شرط در روابط زن و مرد اشاره کرد.

زن بودن مقامی است مورد نظر خداوند و این مقام کمی نیست. حالا عده‌ای آنچنان دچار بحران شخصیت شده‌اند که اصالت خود را از دست داده و ارزش زن را به این می‌دانند که شبیه مردان‌اند؟! آیا ارزش زن به زیبایی ظاهری او است؟! یا ارزش زن به برهنگی و خودنمایی او است؟! گاهی یک زن همچون مریم، زکریای پیامبر را مهجوت معنویت خود می‌کند و به عنوان برترین زن در زمان خودش معرفی می‌شود. گاهی هم، زانسی در خیابان، همه را مهجوت آرایش و زیبایی زودگذر خود کرده و به گناه دعوت می‌کند. زن بودن افتخار است و پایداری و ماندگاری این گوهر قیمتی، ریشه در معنویت دارد. هر قدر غفت و حیا در زن ریشه‌دار تر شود، عظمت و ارزش زن نیز بیشتر خواهد شد. مگر آسیه، همسر فرعون چه کرد که خداوند او را به عنوان الگویی برای مردم در قرآن کریم معرفی

می‌کند؟! او بی‌به مقام و جایگاه بالارش یک زن برده بود و تمام تلاشش را به کار گرفت تا بتواند آن جایگاه را نزد خدا حفظ کند. بنابراین امانت الهی یعنی حضرت موسی(ع) به دست او سپرده شد. اما در این دنیای تاریک، عده‌ای به دنبال این هستند تا با شعارها و بهانه‌های مختلف، زنان را نه تنها از ارزش و جایگاه اصلی‌شان دور کنند، بلکه دست به دست هم داده و هم‌پیمان شده‌اند تا ریشه معنویت در زنان را خشک کنند. می‌گویند حق زنان از دست رفته، می‌گویند زنان باید همچون مردان باشند، می‌گویند زنان باید راحت و آزاد بدون هیچ مرزی در بیرون از محیط خانه، رفت و آمد کنند. می‌گویند زنان باید زیبایی خود را ظاهر کنند. می‌گویند ما مدافع حقوق زنان هستیم. گفتند و گفتند، ولی افسوس که نگفتند هدف‌شان از ایسن کار، دور کردن زنان از جایگاه اصلی‌شان یعنی خانه و خانواده است. نگفتند که به لجن کشیدن و سوءاستفاده از زنان، همیشه عاشقانه برایشان نغمه‌سرایی کند؟! کمترین هدف آنهاست، هر کس باید خودش تصمیم بگیرد.

■ حجت‌الاسلام مهدی حسین‌پور

وقتی که دختر است، موجب برکت خانه است. وقتی که همسر است، نصف دین شوهرش را کامل می‌کند. وقتی که مادر است، بهشت زیر قدم‌هاش جای دارد.

زن، مخلوقی است که توانسته برای مردان و زنان عالم تبدیل شود به الگویی از خوبی‌ها و همچنین خواهد توانست تا قیامت، اینچنین بدر خشد. فقط باید با تمام توان از جایگاه خود و از خوبی‌هایش در برابر سامری‌های گوساله‌پرست، دفاع کند و گول حرف‌ها و هنرهایشان را نخورد. وقتی خداوند موجودی به نام زن را آفرید، بر تمام ابعاد وجودی او آگاهی کامل داشت، بنابراین مقامی در شأن و توانش نیز به او عطا کرده است. جسم و روحی همچون گل، زیبا و ظریف ولی شکننده.

■ ■ ■

در حدیثی از پیامبر خدا(ص) می‌خوانیم که فرموده‌اند: خداوند بزرگ و متعال، به زنان مهربان‌تر از مردان است. در حدیث دیگری از رسول خدا(ص) این چنین نقل شده است که فرمودند: «یکدیگر را به رفتار نیک با زنان سفارش کنید.» همچنین امیرمؤمنان حضرت علی(ع) بیان فرموده‌اند: «کاری که در توان زن نیست به او سپار، زیرا زن همچون گل است. نه قهرمان و کارفرما.»

هدف دشمن، سقوط زن و دسترسی آسان به او است. آنها می‌دانند که اگر یک زن از معنویت فاصله بگیرد، دیگران را نیز تحت تأثیر قرار داده و آفت ایمان‌شان خواهد شد و زمانی که درختی آفت‌زده شد، یقیناً میوه‌های سالمی نخواهد داشت.

از جمله عواملی که باعث سقوط یک زن از جایگاه بالایی او می‌شود می‌توان به تسلیم شدن در برابر خوشگذرانی‌ها و هوس‌های زودگذر، رعایت نکردن حفاظ و حجاب بیرون از محیط خانه، گرفتار شدن به ابتلال اخلاقی، گرایش به مدرگرایی و مصرف‌گرایی، تجمل و آرایش‌های افراطی و بیهوده، خودنمایی و جلوه‌گری و ساختن شخصیت کاذب و ارتباط بی‌قید و

شرط در روابط زن و مرد اشاره کرد. زن بودن مقامی است مورد نظر خداوند و این مقام کمی نیست. حالا عده‌ای آنچنان دچار بحران شخصیت شده‌اند که اصالت خود را از دست داده و ارزش زن را به این می‌دانند که شبیه مردان‌اند؟! آیا ارزش زن به زیبایی ظاهری او است؟! یا ارزش زن به برهنگی و خودنمایی او است؟! گاهی یک زن همچون مریم، زکریای پیامبر را مهجوت معنویت خود می‌کند و به عنوان برترین زن در زمان خودش معرفی می‌شود. گاهی هم، زانسی در خیابان، همه را مهجوت آرایش و زیبایی زودگذر خود کرده و به گناه دعوت می‌کند. زن بودن افتخار است و پایداری و ماندگاری این گوهر قیمتی، ریشه در معنویت دارد. هر قدر غفت و حیا در زن ریشه‌دار تر شود، عظمت و ارزش زن نیز بیشتر خواهد شد. مگر آسیه، همسر فرعون چه کرد که خداوند او را به عنوان الگویی برای مردم در قرآن کریم معرفی

می‌کند؟! او بی‌به مقام و جایگاه بالارش یک زن برده بود و تمام تلاشش را به کار گرفت تا بتواند آن جایگاه را به خدا حفظ کند. بنابراین امانت الهی یعنی حضرت موسی(ع) به دست او سپرده شد. اما در این دنیای تاریک، عده‌ای به دنبال این هستند تا با شعارها و بهانه‌های مختلف، زنان را نه تنها از ارزش و جایگاه اصلی‌شان دور کنند، بلکه دست به دست هم داده و هم‌پیمان شده‌اند تا ریشه معنویت در زنان را خشک کنند. می‌گویند حق زنان از دست رفته، می‌گویند زنان باید همچون مردان باشند، می‌گویند زنان باید راحت و آزاد بدون هیچ مرزی در بیرون از محیط خانه، رفت و آمد کنند. می‌گویند زنان باید زیبایی خود را ظاهر کنند. می‌گویند ما مدافع حقوق زنان هستیم. گفتند و گفتند، ولی افسوس که نگفتند هدف‌شان از ایسن کار، دور کردن زنان از جایگاه اصلی‌شان یعنی خانه و خانواده است. نگفتند که به لجن کشیدن و سوءاستفاده از زنان، همیشه عاشقانه برایشان نغمه‌سرایی کند؟! کمترین هدف آنهاست، هر کس باید خودش تصمیم بگیرد.

افراد لجوج از دو حربه استفاده می‌کنند؛

یکی دلیل تراشی و دیگری فرافکنی، یعنی مدام برای درستی کار خود مدرک و دلیل می‌آورند یا دلیل کار خود را به اطرافیان و دیگران نسبت می‌دهند

د

بعضی افراد به دلیل بهانه‌جویی دست به لجبازی می‌زنند، به عنوان مثال اگر غذا را داغ جلویشان بگذار می‌گویند چرا داغ است؟! و اگر قدری سردتر جلویشان بگذار می‌گویند چراس داست؟! گاهی سرگوفت زدن و سرزنش کردن فرد باعث می‌شود که وی به خاطر جبران این مسئله دست به لجبازی بزند. در راحت‌طلبی هم موردی است که شخص به خاطر اینکه مسئولیت کاری یا چیزی را به عهده نگیرد از زیر بار آن شانه‌خالی می‌کند و عملش لجبازی تلقی می‌شود.

■ ایجاد می‌کند.

■ آثار در دست رفتار نکردن با کودک لجباز

ضمن توجه به تأثیرات روانی در بروز و به وجود آمدن اختلال بی‌اعتنایی (لجبازی)، شیوع این اختلال در خانواده‌هایی که حداقل یکی از والدین سابقه ابتلا به اختلال بی‌اعتنایی مقابله‌های، اختلال سلوک، اختلال خلقی و اختلال شخصیت ضدا اجتماعی و اختلال مربوط به مواد دارد، بیشتر است.

افسرده‌گی مادر این احتمال را بیشتر می‌کند که فرزندش به اختلال بی‌اعتنایی مقابله‌ای دچار شود. در صورت مزمن شدن، اثرات این اختلال در عملکردهای تحصیلی و روابط بین فردی نمود پیدا می‌کند و سبب لذت نبردن از روابط در اجتماع و شکست در روابط دوستانه فرد می‌شود و با وجود اینکه وی هوش مناسبی دارد در تحصیل، عملکرد پایین وضعیتی نشان می‌دهد. این اختلال ممکن است قبل از سه سالگی بروز کند، اما معمولاً دوره آن از هشت سالگی تا نوجوانی می‌یاشد و با بالا رفتن سن تعداد نشانه‌های مخالفت و لجبازی هم بیشتر می‌شود.

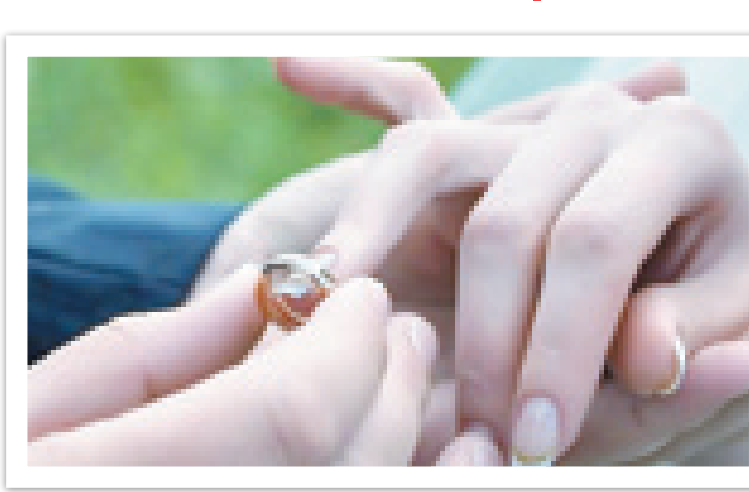
این اختلال قبل از بلوغ در دخترها کمتر از پسرها دیده می‌شود ولی پس از آن این آمار همسانی بیشتری با هم پیدا می‌کند. دیدگاه رفتاری، این اختلال را نوعی رفتار یاد گرفته و تقویت‌شده می‌داند و آن را محصول پیامدهای محیطی می‌داند که فرد در آن رشد و پرورش یافته است. پدر و مادر رفتارهایی که دارند و نحوه برخورد با فرزندشان می‌توانند باعث تقویت رفتار بد و تشدید لجبازی او شوند.

سر دست رفتار نکردن با کودک لجباز باعث می‌شود که این خصصه به دوران نوجوانی و پس از آن تا دوران بزرگسالی ادامه پیدا کند. این افراد علاوه بر عملکرد تحصیلی که ذکر شد در حیطه شغلی خود هم نمی‌توانند رشد کنند و مدام آنها را تغییر می‌دهند، حتی در زندگی مشترک خود نیز این سبک رفتاری را ادامه می‌دهند و نمی‌توانند در مورد مشکلات و مسائل زندگی به نظر مشترک برسند.

■ برای درمان و کنترل لجوج‌ها چه کنیم؟

در کاهش خصیمه لجاجت می‌توان تکاتی را در نظر گرفت و به کار بست. این نکات را به طور اجمالی بررسی می‌کنیم. همان طور که هیچ چیز یک‌شبه و ناگهانی به وجود نمی‌آید و همین دلیل هم به سرعت از بین نمی‌رود، پس باید راه‌حل‌های

هیچ ازدواجی آسان نیست!



چون که الان برخی از دخترها برای آشناسایی پیشقدم می‌شوند و فراموش می‌کنند که باید پسر بیاید و خواستار عشق و همراهی دختر باشد تا شرایط صرفاً آشنایی تلقی نشده، بلکه خواستگاری نامیده شود.